



مقاله‌ای در تحلیل وضعیت جمهوری اسلامی ایران

مهلکات پانزده‌گانه حکمرانی ما!

دکتر سعید زیباکلام

استاد فلسفه دانشگاه تهران

در این مقاله می‌خواهم به چند سؤال بپردازم. سؤال، «انقلاب به دنبال چه بود؟»، «بنیاناً اشتباه است زیرا انقلاب رویداد اجتماعی - سیاسی بسیار بزرگی است که برآیند اعمال و اقدامات سیاسی تعداد زیاد یا بسیار زیادی از انسان‌ها است. انقلاب، موجود خودآگاه یا ذی‌شعوری نیست که بتوان سؤال کرد: انقلاب (انقلاب اسلامی) به دنبال چه بود؟ همچنان که بعداً خواهیم دید این نکته فوق‌العاده مهم و پرداللت است.

اشتباه دوم و مرتبط با اولی این است که برای انقلاب (انقلاب اسلامی) ماهیت، ذات، سرشت و یا جوهری بتراشیم و سپس با موتور محرکه مجموعه آمال و امیال و آرمان‌های خود در آسمان‌های بیکران تخیلات، پروازی فلسفی کرده برای آن ماهیت و ذات ازلی و ابدی و بعضاً الهی قائل شویم.

اشتباه سوم و بسیار رایج عاقبت‌سوز این است که آن ماهیت یا ذات و سرشت خودساخته را به نهادهای نظام و شیوه حکمرانی و به حاکمان بچسبانیم، به طوری که تصور شود ممیزات نظام و حکمرانی و حاکمان به نحو تمییزناپذیری همان «انقلاب» است؛ به عبارت موجزتر، نظام و حکمرانی و حاکمان یعنی انقلاب!

انقلاب به دنبال چه بود؟ و چه سودی برای ما مردم داشت؟

«انقلاب به دنبال چه بود؟» سؤال‌های بسیار ناجایی را در

اراده و اقدامات یا مبارزات مردم و رهبران‌شان، از عرصه‌های بیرون از ایران وارد شده و اهدافی داشته که متأسفانه به اهداف نرسیده و یا به کمی از اهداف نرسیده. امیدوارم خط‌امیزی و خط‌انگیزی این قبیل نگرش‌ها که برای انقلاب وجودی مستقل و ماورای فرهنگ سیاسی و عرصه سیاست‌ما فعالان سیاسی قائل می‌شود به قدر کافی روشن باشد.

تا اینجا تحلیل‌ام از انقلاب جنبه سلبی داشته است. اینک لازم است ایجاباً اضافه کنم که انقلاب اسلامی محصول یا برآیند مبارزات و فعالیت‌های کم یا زیاد بسیاری از افراد و اقشار و طبقات ملت است که اهداف و آرمان‌هایی را از سال‌ها پیش تعقیب می‌کرده‌اند. بخشی از این برآیند در مقطعی - سال ۵۷ - بخشی از موانع بزرگ تحقق آن آرمان‌ها - رژیم فاسد شاه - را از سر راه برمی‌دارد. «رژیم شاه باید برود»، هدفی سلبی و کوچک اما ناگزیر و بسیار ضروری آن مبارزات چندین ده ساله بود. «سقوط رژیم شاه» نه تنها انقلاب نیست که از آرمان‌های بزرگ انقلاب هم محسوب نمی‌شود، اگر چه گام کوچکی است که برای تحقق آن آرمان‌ها لاجرم باید

برداشته می‌شد.

یکی از اشتباهات بسیار بزرگ و رایج در این چهل و چهار ساله این است که انقلاب معادل سقوط رژیم شاه دانسته شده، در حالی که آرمان‌های بزرگ انقلاب - استقلال، آزادی، حکومت عدل اسلامی - که بتدریج در جریان مبارزات چندین دهه مبارزان تقویم شده بود راه بسیار دراز و موانع بسیار سترگی پیش روی خود داشت.

«آرمان‌های انقلاب» را دنبال کنیم یا «انقلاب» را؟

سالیانی است که برای اجتناب از این اشتباهات بزرگ و مهلک، اولاً قائل شده‌ام که سقوط رژیم شاه تنها اولین گام انقلاب است. ثانیاً و بسیار مهمتر، تلاش کرده‌ام برای اجتناب از اشتباهات سه‌گانه فوق‌الذکر، تا آنجایی که ممکن بوده، به عوض «انقلاب» از «آرمان‌های انقلاب» سخن بگویم تا از ملعبه شدن انقلاب و دستخوش امیال و مطامع شدن آن ممانعت کنم. روشن است که «آرمان‌های انقلاب» و نهضت مردم ایران برای استقلال و آزادی و حکومتی عادلانه لنگرگاهی برای مفهوم انقلاب و نهضت ملت ایران فراهم می‌کند؛ لنگرگاهی که ثبت در تاریخ است

و نمی‌تواند به سهولت مصادره به مطامع و امیال پلید امروز و فردای رجالی شود.

لازم است بی‌درنگ اضافه کنم که در اینجا، همچون همه‌جا، این امکان وجود دارد تا آن «تاریخ» مجدداً به گونه‌ای بازسازی و روایت شود تا مطامع و منافع حاکمان متکثر ثروت و قدرت را تأمین کند. این «بازتاریخ‌نگاری» کاری است که اگر در همه انقلاب‌ها و نهضت‌های به کرسی قدرت رسیده رخ نداده باشد در اکثر آنها کم یا زیاد صورت گرفته است. و از همین رو است که اصرار دارم در اکثر مواضع ممکن از «آرمان‌های انقلاب» سخن بگویم و نه از «انقلاب».

چه چیزی موجب تداوم انقلاب می‌شود؟

سؤالی که نوعاً در این عرصه مطرح می‌شود این است که چه چیزی موجب تداوم انقلاب می‌شود؟ این سؤال هم مانند سؤالات کلیشه‌ای بد و غلط صورت‌بندی‌شده‌ای است همچون «انقلاب به دنبال چه بود؟» این سؤال برای انقلاب وجودی مستقل و قائم به خود قائل می‌شود و حال آنکه ابتدا چنین هویتی ندارد که تداوم آن موضوعیتی داشته

باشد. ما می‌توانیم از چگونگی و میزان تحقق آرمان‌های انقلاب سؤال کنیم. می‌توانیم از میزان پایبندی حاکمان و مقامات نظام به آرمان‌های انقلاب سؤال کنیم. به همین ترتیب، می‌توان و باید از سیاست‌ها و راهبردهای مقامات مختلف نظام از جهت تضعیف یا تقویت آرمان‌های انقلاب سؤال کنیم. به عبارت شفاف‌تر، به عوض سؤال از چه چیز موجب تداوم انقلاب می‌شود باید اولاً سؤال از چیستی آرمان‌های انقلاب کرد؟ و ثانیاً از اینکه چه میزان جمهور مردم، همان کسانی که جریان اعتراضی گسترده‌ای نام انقلاب را به وجود آوردند، از تحقق آن آرمان‌ها رضایت نسبی دارند و خواهان تداوم نظامی هستند که متکفل تحقق آن آرمان‌ها است.

لازم است بی‌درنگ اضافه کنم که «نظام» هم همچون «انقلاب» مفهومی است که باید مورد بازنگری قرار گیرد. نظام خوب است یا بد، موفق است یا ناموفق و هکذا، سؤالاتی است بسیار مبهم و در نتیجه پاسخ به آنها هم، به تبع، از آن ابهام و غبارآلودی رنج می‌برد. باید ابتدا برای خود روشن کنیم منظورمان از نظام چیست. آیا مراد



«آرمان‌های انقلاب»

و نهضت مردم ایران برای استقلال و آزادی و حکومتی عادلانه لنگرگاهی برای مفهوم انقلاب و نهضت ملت ایران فراهم می‌کند؛ لنگرگاهی که ثبت در تاریخ است و نمی‌تواند به سهولت مصادره به فردای رجالی شود